خبر

تغییرات طرح ترافیک سال ۹۷

● بر اساس مصوبات شورای شهر و شورای ترافیک تهران، طرح ترافیک در سال ۱۳۹۷ در همان محدوده سابق و با تغییراتی در زمان، شیوه پرداخت و نحوه اخذ مجوز، از ابتدای اردیبهشت اجرا می‌شود. روابط عمومی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک در اطلاعیه‌ای به ابهامات و سؤالات طرح ترافیک سال ۹۷ پاسخ داد: شهرداری تهران به محض تصویب نهایی این طرح در مراجع ذی‌ربط، فرایند اجرائی آن را آغاز کرده است و پس از تقویت زیرساخت‌ها، نصب دوربین‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های مربوط به نحوه ثبت‌نام؛ هم اکنون ثبت‌نام از عموم متقاضیان اعم از مجوزهای سالانه دستگاه‌های اجرائی و خریداران روزانه طرح در حال انجام است. مهم‌ترین تغییرات طرح برای سال ۱۳۹۷ شامل این موارد است:

۱. در سال جاری، عموم شهروندانی که قصد دارند با خودروی شخصی در محدوده طرح ترافیک تردد کنند، باید قبل از اولین ورود، اطلاعات شخص و خودرو را در سامانه my.tehran.ir ثبت‌نام کنند. اطلاعات مورد نیاز شامل مشخصات مندرج بر روی کارت ملی، سند مالکیت خودرو و نیز بارگذاری تصویر آنها در وب‌سایت مذکور است.

۲. در سال ۱۳۹۷ طرح ترافیک علاوه بر روزهای جمعه و تعطیلات رسمی، در روزهای پنجشنبه نیز اجرا نخواهد شد و ورود به محدوده طرح ترافیک در این روزها برای عموم شهروندان آزاد و رایگان است.

۳. در سال ۱۳۹۷ طرح ترافیک در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۶:۳۰ تا ۱۹ اجرا می‌شود.

۴. مقررات مربوط به محدوده زوج و فرد برای سال ۱۳۹۷ همچنان برقرار خواهد بود و تغییری در این زمینه ایجاد نشده است.

۵. در سال ۱۳۹۷ هزینه تردد در محدوده طرح ترافیک برای خودروهای سهمیه دستگاه‌های اجرائی و دولتی با عموم شهروندان که طرح را به صورت روزانه خریداری می‌کنند، برابر است و تنها طبق مصوبه شورای شهر برای سهمیه‌های معلولان، بیماران خاص، خبرنگاران، آژانس‌ها و وانت‌بارها تخفیف در نظر گرفته شده است. هزینه تردد در محدوده طرح ترافیک برای جانبازان ۲۵ درصد به بالا نیز در سقف سهمیه بنیاد شهید و امور ایثارگران، رایگان است.

۶. در سال ۱۳۹۷ به هیچ وجه فروش سالانه و یکجای طرح ترافیک وجود ندارد و نرخ عوارض تردد در محدوده طرح ترافیک برای هر روز براساس نوع معاینه فنی خودرو و ساعات ورود و خروج محاسبه می‌شود. هزینه ورود و خروج خودروها بسته به ساعات اوج و غیراوج ترافیک متفاوت است و همچنین خودروهای دارای معاینه فنی برتر از ۲۰ درصد تخفیف برخوردار خواهند بود.

۷. ساعات قبل از ۱۰ صبح و بعد از ۱۶ بعدازظهر، ساعات اوج ترافیک محسوب می‌شود و هزینه تردد در ساعات بین روز کمتر از نصف هزینه ساعات اوج صبح و عصر است. محاسبه هزینه عوارض طرح ترافیک در هر روز نیز صرفا به اولین و آخرین تردد ثبت‌شده خودرو بستگی دارد.

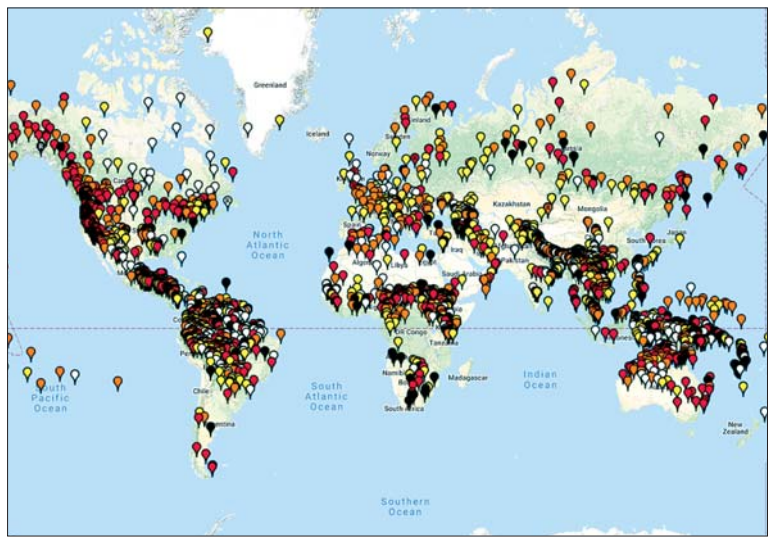

جهان، زبان، ما

مجید اسدی: جهان، امری مینوی است که بر زمین بار می‌شود، تا آدمی بتواند بر آن (زمین) زمان را خلق کند و در آغوش گیرد و بر زمین مستقر شود. این امر مینوی را به استعاره تقلیل می‌دهیم. پس زیستن یعنی استقراری استعاری، بر جغرافیایی که پس از پذیرش استعارگی تبدیل به زمین می‌شود. زیرا در این صورت است که می‌تواند بارور شده و برویاند. این اصل خصوصی زمین، در اساطیر ما نیز بیان شده است. پس زمین توسط جهان بارور می‌شود زیرا در جهان انسان وجود دارد و وجود انسان در این جهان منوط به زبان است. در غیر این صورت شرایط زیست مهیا نمی‌شود و انسان باید نفس‌های عاریتی را پس بدهد. استقرار انسان در جهان، براساس طبع و تین او، نیمی ریشه در آب و نیمی ریشه در خاک دارد، به‌عبارت دیگر باید گفت، این استقرار شناور است چون از طرفی استعاری و از طرف دیگر در آغوش زمان است. بر این اساس آدمی در این جهان شایستگی استقرار دارد، زیرا شناگری و وسایل آن را زبان در اختیار او قرار می‌دهد. زیرا جهانی را که زبان تحویل می‌دهد و به‌تبع آن انسان را می‌زاید و در آن ورطه وا می‌نهد، جهان شناوری و شناگری است چون با جهانی این‌گونه زمان نیز تولید می‌شود و همین ماهیت شناوری و کیفیت شناگری است که سرنوشت یا سرگذشت آدمی را تعیین می‌کند. بر این بنیاد چنانچه شناگر نباشیم با سرنوشت روبه‌رو خواهیم شد و در غیر این صورت با سرگذشت. به مفهومی دیگر یا فعال خواهیم بود و تأثیرگذار یا منفعل و تأثیرپذیر.

بنابراین، انسان برای شناگری در این جهان شناور و دریافت هر لحظه‌ای این جهان از زبان زبان، ناچار است تا از لحظه تولد تا مرگ همراه زبان باشد و این چیزی است که در حد هوا برای نفس‌کشیدن به آن نیازمند است در غیر این صورت از شرایط استقرار تهی می‌شود و به همین جهت است که باید زبان را بفهمد و با نگاه به زبان و گوش‌سپردن به زبان زبان، دریابد تا زبان چه تجویز می‌کند و چگونه پیشنهادی می‌دهد. تا چگونه دریابد و چگونه عمل کند.

از آنجایی که زبان در حکم کلی است زیرا هم دارای توان تولید ساختار است و هم این ساختارها در جمع پذیرفته می‌شود، به حتم از مجموع اجزا بزرگ‌تر است و این است که اقتدار آن هرگز کاهش نمی‌یابد. و از این‌رو نیز هست که ما جهان خود را از این امر کلی مقتدر استعاره‌ساز دریافت می‌کنیم. بر این اساس ماهیت و ماییت ما، رسوب جهان بر جغرافیا است که این جهان از دریافت ما از تجویزات زبان حکایت می‌کند و این است که ما و جهان ما، یعنی زبان ما و بر این پایه، کیفیت و ماهیت جهان ما را در زبان ما باید دید و سنجید. آیا می‌شود کلام المرء مخبوع تحت‌لسانه را این‌گونه خواند؟ در این میان بدیهی است که اراده فردی محو نمی‌شود، بلکه رنگ می‌بازد زیرا زبان امر کلی است که نه‌تنها گذشته را به‌عنوان تجربه‌ای از جهان زیسته با خود حمل می‌کند، بلکه جهان زیست‌شونده را به‌عنوان تجربه پیش‌رو پیشنهاد می‌کند. در این مقام، مغز یا مزگا، یا ماه اساطیری به زبان شباهت دارد، که محل زایش و به‌نوعی، زهدان است. حال اگر این برداشت از زبان را بپذیریم، می‌فهمیم که هر انسانی در حداقل، از بدو تمدن متولد شده است و این تولد همچنان ادامه دارد، زیرا نه‌تنها با زبان، گذشته خود را حمل می‌کنیم، که هر لحظه با تجویزات و پیشنهادهای دیگری روبه‌رو هستیم که دریافت آن بستگی به نحوه استقرار ما در جهان دارد، به سخنی دیگر یعنی درک زبان. زیرا زبان پایه‌گذار تمدن است و زبانی که انسان را در گردش دورانی و در خط یعنی در دایره و مربع توأمان قرار داده است، منظور است که هر کدام بال به بال هم در طول سده‌ها آمده‌اند. زیرا برخلاف عقیده بسیاری از اندیشمندان، اسطوره نیز معرفتی است که زبان خود را دارد و از جهان خود می‌گوید، و هرگز از آدمی دست نکشیده است. بلکه به شکل و شیوه‌ای دیگر، با نوعی از زندگی زیسته با ما همراه است. و چنانکه گفته شد هرگز دست از دادن پیشنهاد خود، پس نمی‌کشد. بر این اساس، ما صرف‌نظر از انواع زبان، فقط در محدوده نمودهای فرهنگی و معارف بشری، می‌توانیم پنج زبان را برشماریم که در تأسیس جهان ما نقشی اساسی ایفا می‌کنند. زبان اسطوره، عرفان، دین، فلسفه و زبان علم. و اعتقاد داریم که با زیستن هماهنگ و موازی با همه این زبان‌ها و دریافت جهان آنها، می‌توانیم جهان طبیعی خود را براساس تین انسانی خود ایجاد کنیم.

باری در طول تاریخ تمدن، این جهان ما بوده است که تنظیمات خود را در اجتماع یا بهتر بگوییم بر اجتماع مستقر کرده است و این تنظیمات با حقایقی پشتیبانی شده‌اند که نشان از درک و دریافت این امر اجتماعی، یعنی زبان داشته است. بنابراین، انسان و جهان او با زبان مستقر می‌شوند و در و با زبان حرکت می‌کنند که زمان یعنی تاریخ تولید می‌شود. بنابراین، برای ارتباط انسان با هستی او، و ماهیت تاریخی‌اش، چاره و گریزی نخواهد ماند جز شناخت زبان و برقراری ارتباط با آن.

برای همین است که این نظر لوسین گلدمن را که می‌گوید: برای شناخت هر اثر باید در بدو امر مسیر اثر را شناخت، در این مسیر می‌دانم و این‌گونه می‌خوانم. و باز در همین مسیر است که ما به‌عنوان انسان، برای ارتباط خود با هستی‌مان که تاریخی است، باید زبان زیسته را بشناسیم تا بتوانیم جهان غایب را حاضر کنیم و این مهم به‌زعم من، و برای نمونه در حافظ است که بروز می‌کند. حافظ از آنجایی که به حقیقت شاعر است، با همه گسست‌ها و ورطه‌های عظیمی که تاریخ ما شاهد آن بوده است، و در تاریخ ما اتفاق افتاده است، با همه این مشکلات توانسته است تمامی لایه‌های وسیع و متنوع تمدنی ما را که چون بوریایی در هم بافته شده بود، به کارگاه باشکوه حریربافی خود ببرد و به ما با زبانی زیبا و رازورانه ارائه کند. که آنچه را در ضمن و به صورت انضمامی و حتی غیرمجاز در خود داشته‌ایم و سده‌ها بدون تسویه با خود حمل می‌کردیم، به ما بنمایاند.

که این همان هستی ما و ماهیت و ماییت ما بوده است. و از آن‌جایی که زبان را بلد نبودیم و خود غایب بودیم او را لسان‌الغیب پنداشتیم و در همین نقص دریافت است که حتی عده‌ای از ما او را مهری‌مسلک و بعضی دیگر او را زرتشتی و دیگرانی از ما هم او را عارف کامل پنداشتند. و چه‌بسا دروغگو و دمدمی‌مزاج اعلام کردند. تازه این مربوط به جهان زیسته حافظ بود که تنها قسمتی از حافظ است که از زبان زیسته برای ما گفته بوده است و آنچه را که شامل جهان زیست‌شونده می‌شود که اندیشه او در آن ریخته شده است و در زبان این جهان است که تجویز می‌کند و پیشنهاد می‌دهد، بدیهی است که هرگز آن را نفهمیده باشیم. و همه اینها در صورتی است که حافظ راستگوترین و اصیل‌ترین انسان ایرانی است که با هستی خود پیوند باشکوه و شگرفی برقرار کرده است و سرگذشت چندهزارساله انسان ایرانی را به شیوه‌ای زیبا بیان می‌کند و در همه لایه‌های متنوع تمدنی خود حاضر شده است و از زبان همه آن جهان‌ها برای ما ارمغان و پیغام آورده است. اما اینکه ما با کمال شگفتی از اینکه آن را نفهمیدیم ولی از آن لذت بردیم و می‌بریم، برای این است که این نمودهای غریب‌آشنا همه در ما وجود دارند و ما تنها در سایه‌روشنی مانند لبخند مونالیزا، می‌توانیم از آن لذت ببریم، اما نمی‌دانیم زن می‌خندد یا این گفته سارتر را بر لب دارد که انسان پرسش غمگینی است. حال با این برداشت که ما در جهان ساخته زبان است که بر جغرافیا مستقر می‌شویم و ماهیت و ماییت ما همان جهان محل استقرار ماست که توسط زبان پیشنهاد می‌شود و از طرفی دیگر اگر بپذیریم که این جهان به‌طبع سیال است، چون در داخل تاریخ قرار دارد، پس زبان نیز ضمن حمل گذشته برای زنده‌بودن، مجبور به زایندگی است تا بتواند جهان زیست‌شونده را پیش پای ما بگذارد. در این صورت با این پرسش روبه‌رو خواهیم شد که الزامات زندگی خود زبان در چیست؟ به‌عبارتی‌دیگر، چگونه زبانی فراخور حال انسان شناگر است تا بتواند ضمن احضار گذشته، برای انسان در هر موقعیتی و ایستادن بر زمان حال در حد درنگ، آینده او را رهنمون شود.

در بدو امر به نظر می‌رسد زبانی می‌تواند به فراخور حال انسان باشد که دارای اقتصاد باشد. این اقتصاد در یک بُعد، نه به مفهوم سنتی و نه به معنی مدرن که اولی از میانه‌روی می‌گوید و دومی از افسارگسیختگی که از چرخه روانی غیربهداشتی حکایت دارد، بلکه در این نوشته اقتصاد در بُعد مینوی به معنی داشته یا توان زیست زبان است. این داشته یا توان همچنان‌که گفته شد، باید در دو بُعد مینوی و مادی باشد.

در بُعد مینوی زبان باید آزاد و مختار باشد تا بتواند ضمن تولید نظریه آن را ارائه کند. زبانی که دارای تولیدات نظری نباشد، خواهد مرد و بدیهی است که در این صورت تنها لایه سطحی فراموش‌شده از جهان زیست‌شده را با خود حمل خواهد کرد و از جهان زیست‌شونده چیزی نخواهد گفت و در اصل لال خواهد ماند. براین‌اساس، جهانی کهنه و انسانی سقط‌شده تحویل خواهد داد. برای همین منظور است که زبان باید آزاد باشد تا بتواند در مقابل اندیشه، دارای خاصیت جابه‌جایی و گستردگی شود، نه‌اینکه گنجایش پذیرش اندیشه را نداشته باشد که نه‌تنها ترک می‌خورد، بلکه از هرگونه پذیرشی امتناع خواهد کرد و از شاکله زبان زنده می‌افتد که در این صورت بر جهان انسانی ویرانی آوار خواهد شد. البته با نگرانی و بدون درنگ باید گفت که اندیشه در زبان آزاد بروز خواهد کرد و زبان خود را به مقتضای خود تولید خواهد کرد و تنها نیرویی که می‌تواند زبان را به چالش بکشد همین اندیشه است، زیرا در بدو امر در آستانه ظهور خود با زبان درگیر خواهد شد و هرچه اندیشه غلیظتر، درگیری آن با زبان بیشتر و حاصل آن؛ یعنی تغییر و ترمیم زبان بیشتر خواهد بود. اندیشه و زندگی زبان لازم و ملزوم یکدیگرند و شاید بشود گفت که این دو در یک رابطه دیالکتیکی قرار دارند، زیرا زبان مرده اندیشمند نیست.

و اندیشه نیز در زبان مقید جایی ندارد. برای همین است که باور داریم برای اینکه زبانی بتواند زنده بماند تا جهانی زنده تحویل دهد، باید آزاد باشد و از هرگونه پرانتز به دور تا فضای بروز اندیشه در آن وجود داشته باشد تا بتواند پس از حمل و وضع اندیشه، جهان جدید را بر جغرافیا بنا کند. واژه اندیشه که از اساسی‌ترین داشته‌های زبان می‌تواند باشد، در اوستا به‌صورت هندی آمده است و به معنی همه‌سونگریستن است. از طرف دیگر واژه من نیز در قبل از اوستا به معنی اندیشه است پس بر اساس این لایه‌های تمدنی ما، این انسان همه‌سونگر است که تولید اندیشه می‌کند و این زبان است که آن را به شیوه‌های منطقی، مفهوم‌سازی‌های فلسفی، عرفانی، اسطوره‌ای و... بیان می‌کند و دست‌آخر اینکه درصورتی‌که زبان نتواند اندیشه را به هیچ‌یک از شقوق خود بروز دهد و آن را مهار کند به هنر پناه می‌برد و این است مفهوم اینکه می‌گوید: من گنگ خوابدیده و خلقی تمام کر / من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش. حال اگر همین مفهوم واژه اندیشه را از زبان پهلوی به‌بعد بررسی کنیم، این مفهوم از همه‌سونگری به نگرانی و حتی هراس تغییرمکان می‌دهد. اندیشه که از من مثبت بوده است، چرا این‌گونه دچار ناراحتی و اضطراب شده است؟ زبانی که اندیشه‌اش باعث نگرانی باشد اصولا چگونه زبانی است. جهان این زبان چگونه خواهد بود؟ جهانی با نمودهای فرهنگی مدیریت‌شده، ایستا و در فراوانی خطکش‌هایی با درجه‌های ریز و حساس.

از آنجایی که اندیشه بنا به ماهیت خود هیچ‌گونه تنظیمات اجتماعی قبل از خود را نمی‌پذیرد و چون زلزله‌ای جهان مستقر را به لرزه درمی‌آورد، دوگونه ترس از بروز آن در انسان وجود دارد؛ ترس از به‌هم‌خوردن جهان مستقر که انسان‌های غیرشناگر را غرق خواهد کرد که اینها در اکثریتی عظیمند؛ انسان‌هایی که برحسب عادت در جهان خود آرمیده‌اند و قائل به سیالیت این جهان نیستند و دیگر ترس آنانی که تنظیمات اجتماعی را مغرضانه و جهت‌دار مستقر کردند، نگران درهم‌ریزی این تنظیماتند، زیرا اندیشه هرچند ژرف‌تر، شکننده‌تر خواهد بود.

به‌این‌ترتیب باید متوجه شد که چرا جمشید با گفتن من دونیمه شد و پس از آن است که من و اندیشه هراسناک‌اند. جمشید در اساطیر ما خالق بسیاری از لوازم تمدن است پس می‌تواند نوآور باشد که لازمه نوآوری در اندیشه است، نه منیت کاذب. بر این قرار ترس از نوآوری و محکم‌انگاشتن زیر پا در جهانی غیرسیال، نه‌تنها انسان را از فن شناگری خلع می‌کند، زبان را نیز که نیروی محرکه آن اندیشه است، عقیم و از زندگی محروم خواهد کرد؛ بر این اساس است که زبان، جهان و در یک کلام انسان از گردونه تاریخ حذف می‌شود و در حرکتی دورانی به دور خود می‌گردد. در این مواقع، عرفان و فلسفه می‌میرند و تنها اسطوره آغازین است که حاکم بلامنازع جهان می‌شود که با زبان خود همراه است. در نهایت چنین زبانی، مرده است؛ زبانی که نمی‌تواند دادوستد کند و جهان خود را وضع کند و آن را نوبه‌نو بیاراید. براین‌اساس از حق زیستن معاف می‌شود. در این مواقع است که ما به‌ناچار به فرهنگستان پناه می‌بریم که امری سطحی است هرچند عده‌ای همین فرهنگستان را تحمل نمی‌کنند. ایجاد فرهنگستان برای زمانی اضطراری مانند زمان جنگ است و هرگز بنا نیست که ما همیشه در چنین وضعیتی باشیم و تا ابد اقلام لازم را به صورت کوپنی عرضه کنیم.

ادامه در صفحه ۱۳

دریچه

خطر شیوع «وبا» و «سالک» در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

● **ایسنا:** معاون بهداشت وزیر بهداشت از خطر شیوع بیماری‌هایی مانند وبا و سالک در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه ابراز نگرانی کرد و گفت: با وجود فاضلاب‌های منطقه و وضعیت اسکان مردم، خطر اپیدمی این دو بیماری جدی است.

دکتر علیرضا رئیسی با اشاره به آغاز فصل گرما و نگرانی از بروز برخی بیماری‌ها در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه، اظهار کرد: دمای هوا در سرپل ذهاب در فصل گرما به بیش از ۴۰ درجه افزایش پیدا می‌کند؛ به همین دلیل از شیوع بیماری وبا و سالک در این مناطق بسیار نگران هستیم. البته اقدامات زیادی در این مناطق انجام شده است، اما با وجود فاضلاب‌های منطقه و وضعیت اسکان مردم، خطر اپیدمی وبا و سالک جدی است.

او ادامه داد: ما در این شرایط، تیم‌های متعددی را به این مناطق اعزام کردیم. دانشگاه علوم پزشکی منطقه و وزارت بهداشت نیز به صورت مرتب فعالیت می‌کنند و اقداماتی مانند سم‌پاشی و آموزش‌های مداوم انجام می‌شود. کارشناسان نیز حضور دارند، اما خطر این دو بیماری جدی است.

معاون بهداشت وزارت بهداشت افزود: علاوه بر این دو بیماری باید احتمال عقرب‌گزیدگی و مارگزیدگی و همچنین سلامت و ایمنی آب را نیز در نظر گرفت. این موارد بسیار هشداردهنده هستند و باید به صورت جدی به آنها توجه کرد. همچنین باید تأکید کرد که از دست وزارت بهداشت به تنهایی کاری برنمی‌آید. ما می‌توانیم به مردم آموزش دهیم و سم‌پاشی کنیم، اما این موارد موقت است. باید مشکل فاضلاب و اسکان حل شود. کسی در این گرما نمی‌تواند در کانکس زندگی کند؛ در نتیجه مجبور است در چادر زندگی کند که با این وجود احتمال عقرب‌گزیدگی و مارگزیدگی افزایش و ایمنی او کاهش می‌یابد.

رئیسی در ادامه تصریح کرد: اگر اپیدمی بیماری اتفاق افتد به بیمارستان‌ها فشار می‌آید؛ چراکه ظرفیت آنها به اندازه‌ای نیست که بتوانیم این اپیدمی بزرگ را کنترل کنیم. بنابراین استدعا می‌کنیم همه دست به کار شوند و این موضوع را جدی بگیریم. او با اشاره به ادامه حضور کارشناسان سلامت روان و بهداشت محیط در کرمانشاه، افزود: از زمان وقوع زلزله، حضور نیروهای سلامت روان در این مناطق به مدت شش ماه پیش‌بینی شده و درحال‌حاضر کارشناسان در این مناطق حضور دارند. به صورت مرتب نیز تیم‌هایی اعزام می‌شوند. علاوه بر آن آمار بالایی از سم‌پاشی، کلرزنی و آموزش توسط نیروهای بهداشت محیط وجود دارد و با مسئولان نیز جلسات برگزار می‌شود. مسئولان استان نیز در این زمینه همکاری می‌کنند، اما بهبود وضعیت عزم بزرگ‌تری می‌طلبد.

معاون بهداشت وزارت بهداشت همچنین اضافه کرد: همه افرادی که در کرمانشاه بودند در برابر آنفلوانزا واکسینه شدند، به همین دلیل کمترین میزان موارد بستری به دلیل این بیماری در فصل سرد سال، در کرمانشاه اتفاق افتاد. به دنبال اقداماتی که انجام شده و با وجود مشکلاتی که در کرمانشاه وجود داشته، تا الان حتی یک مورد اپیدمی بیماری نداشته‌ایم. باوجوداین اگر گرما هم به وضعیت فعلی اضافه شود، ممکن است مشکل از قدرت ما فراتر رود.

جدول ۳۰۸۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- طلای کثیف- دور نهایی مسابقه پرش با اسب- از چهار عمل اصلی ریاضی ۲- جدید- روش- مجموعه‌ای از نشانه‌های بیماری ۳- سخن کذب- رازها - غیرممکن ۴- مبتنی بر یک ریتم معین- اثری به قلم شاتو بریان فرانسوی- قدم یکپا ۵- طرز و شیوه- سروصدا- رشوه‌دادن ۶- نام عمومی آلیاژهایی که به کمک آنها فلزات را به هم متصل می‌کنند- پایتخت کریم‌خان‌زند- مقابل حاشیه ۷- مکمل زیبایی‌رو- پروتئین سلول‌های زنده- پایکوبی و دست‌افشانی صوفیان ۸- فریب- آسایش و آرامش- یگانه ۹- از دین برگشته- بیماری نارسایی کلیه‌ها- صدای پاره‌شدن کاغذ ۱۰- ازخودگذشتن- هنر ششم- خوشه گندم و جو ۱۱- خبرگزاری ایتالیا- سانسور- ناامید ۱۲- داخل- کاخ تاریخی فرانسه- دروپنجره بناهای قدیمی ۱۳- حتمی- نوعی انگور بی‌دانه- دانه روغنی مسهل ۱۴- سارق چیزهای کم‌ارزش- لاستیک مخصوص حرکت خودرو در جاده‌های برفی- یازده ۱۵- حلقه بسکتبال- قبیله‌ها- نویسنده آلمانی نمایش‌نامه گیوم تل.

عمودی:

۱- محبس- بتی در عصر جاهلیت- پاکی از گناه ۲- موطلایی- شیرینی عزا- با میل خود آماده انجام کاری است ۳- روشنی تصویر- داستان بلند- پیمان ۴- نحیف و نزار- یاری‌دهنده- سومین کشور پهناور اروپا ۵- معاون هیتلر- ماه پیروزی- قوم مغول- به‌دنیاآوردن ۶- صفحات داخلی روزنامه- بیماری یرقان- استاد سخن فارسی ۷- ماچ- جمع شیء- ورم ۸- کارگردان فیلم به وقت شام (در حال اکران) ۹- آتش- پارچه مشبک- لباس ۱۰- هفدهمین سوره قرآن- زندانی- وضع حمل ۱۱- عامل انتقال صفات ارثی- ضروری- گذرگاه- قابلیت ارتجاعی دارد ۱۲- هلاک و نابودی- رسم و سنت- اقامت‌گزیدن ۱۳- صدمه بدنی- پیلوت- زمین کشاورزی بی‌مصرف‌مانده ۱۴- از واجبات نماز- ظاهرشدن- گودال ۱۵- قابل اجرا- درودگر- عنوان احترام‌آمیز نظامی.

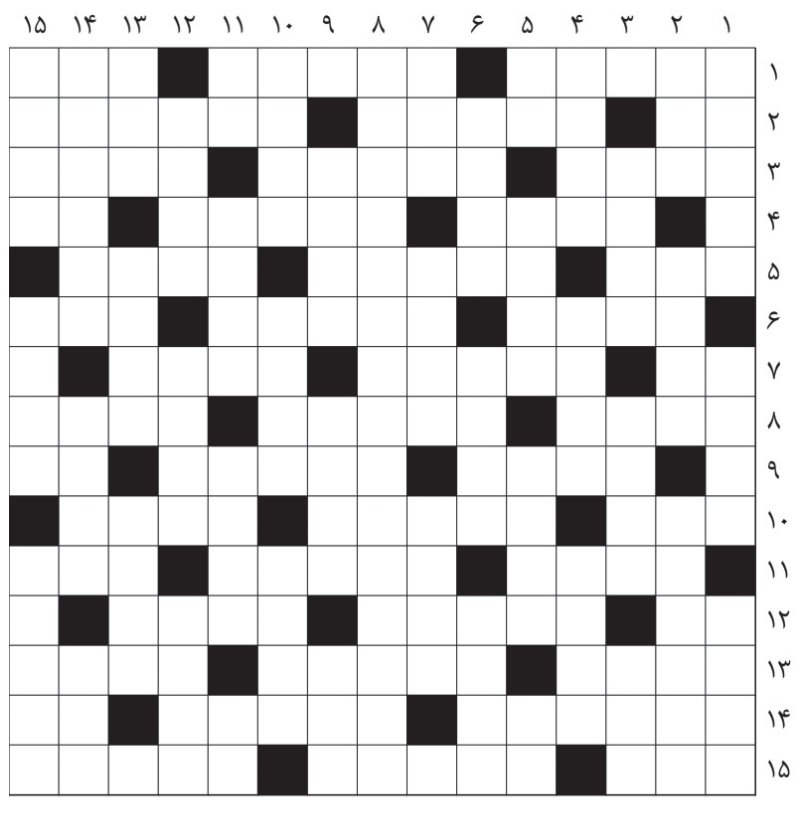

حل سودوکو سخت

۵	۹	۶	۳	۱	۷	۸	۴	۲
۴	۲	۸	۶	۵	۹	۳	۷	۱
۷	۳	۱	۸	۲	۴	۹	۵	۶
۳	۵	۷	۴	۹	۲	۱	۶	۸
۱	۴	۲	۵	۶	۸	۷	۳	۹
۶	۸	۹	۱	۷	۳	۵	۲	۴
۸	۱	۵	۲	۳	۶	۴	۹	۷
۲	۷	۳	۹	۴	۱	۶	۸	۵
۹	۶	۴	۷	۸	۵	۲	۱	۳

حل سودوکو ۲۰۷۶

۸	۴	۵	۹	۱	۶	۷	۳	۲
۲	۳	۷	۸	۴	۵	۹	۱	۶
۱	۶	۹	۲	۳	۷	۴	۸	۵
۵	۹	۳	۷	۶	۱	۲	۴	۸
۶	۷	۱	۴	۲	۸	۵	۹	۳
۴	۲	۸	۳	۵	۹	۱	۶	۷
۷	۵	۴	۶	۹	۳	۸	۲	۱
۳	۱	۲	۵	۸	۴	۶	۷	۹
۹	۸	۶	۱	۷	۲	۳	۵	۴

جدول ۳۰۸۰

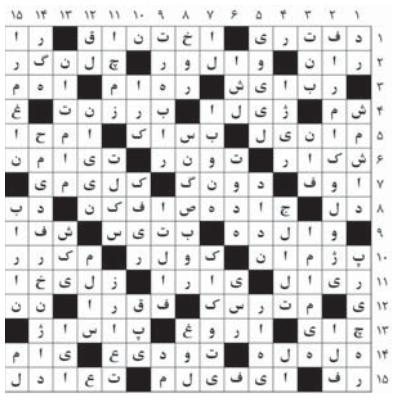

سودوکو سخت ۲۰۷۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹		۸		۶				
		۵	۸	۷		۱		
	۶							۷
					۷	۶	۴	۲
۷								۵
۲	۴	۶	۳					
۶							۲	
		۲		۱	۳	۸		
				۲		۹		۴

سودوکو ساده ۲۰۷۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵		۷					۶	
			۵		۶			۲
	۶		۴			۷		۵
				۵	۴	۶		
		۸	۷	۲	۱	۳		
		۴	۶	۸				
۷		۳			۵		۴	
۴			۲		۷			
	۱					۵		۳